

ABOUT 2001 CRISIS

<http://www.ghandchi.com/341-Crisis-plus.htm>



سام قندچی

درباره بحران 2001

بحران اقتصادی 2001 اولین بحران عمده اقتصاد اطلاعاتی بود و به بسیاری از بدبینی ها درباره اقتصاد اطلاعاتی دامن زد. اقتصادی که امید آن میرفت که یک سکتور موازی تجارت سنتی را، از طریق تجارت الکترونیک eCommerce، بوجود آورد، با از هم پاشی شرکت های دات کام در سال 2000، به یکباره فرو ریخت، و در پی اش سقوط صنایع ارتباطات telecom و شبکه های کامپیوتری networking.

واقعیت آن است که تجارت الکترونیک نمرد. آنچه احتیاج داشت تغییر عادت های بشر بود، تا از امکانات اینترنت استفاده شود و نه تجارت سنتی و همچنین کاربردهای applications زندگی واقعی و نه برنامه های کامپیوتری محدود کنونی.

تغییر عادات با نسل جدید که کارهای زیادی را روی کامپیوتر میکند به واقعیت میبوند، و همچنین کابینه کلینتون در آمریکا تشویق عادات جدید برای شهروندان را آغاز کرد، استفاده از کامپیوتر و اینترنت در زندگی روزمره، و گرچه تشویق عادات جدید با کابینه بوش متوقف شد، انتظار می رود بعد از بوش در آمریکا، و نقاط دیگر جهان توسط رهبران سیاسی، ادامه یابد.

از سوی دیگر، کاربرهای applications بیشتر با احساس زندگی واقعی، در حال توسعه هستند، که بازارهای خرید مجازی virtual shopping malls را هم توان بازارهای واقعی کنند، و به مشتریان احساس رفتن به یک بازار واقعی نظیر ادمونتون Edmonton در کانادا را بدهند. البته کاربردها به تجارت الکترونیک محدود نیست، و آنها پیشبران موج بعدی اینترنت هستند، که برآحتی میتواند اینترنت 2 [Internet2](#) نامیده شوند، که با گروه تازه ای از کاربران applications، نظیر حضور مجازی virtual presence، که در امتزاج با اینترنت سریع هستند، در حال رشد هستند.

به عبارت دیگر، این درست نیست که عصر کامپیوترها و شبکه ها networks به پایان رسیده. واقعیت آن است که اقتصاد اطلاعاتی در واقع تازه با موج جدید کاربردها و شبکه ها شروع خواهد شد، و گرچه عرصه های دیگر تکنولوژی نو نظیر بیو تک و نوتک نقش های مهمی در آینده در حال شکل گیری خواهند داشت، اما اقتصاد اطلاعاتی، کامپیوترها، کاربردها، و شبکه ها، کماکان محرک های اصلی در دهه آینده خواهند بود، و بدبینی درباره این تکنولوژی ها درست نیست.

حتی شغل های مربوط به اقتصاد اطلاعاتی که به خارج از آمریکا می رود، این سکتور را در اقتصاد آمریکا، و نقاط دیگر غرب، بی اهمیت تر نمیکند، زمانیکه موج جدید اقتصاد اطلاعاتی آغاز شود. اقتصاد اطلاعاتی همه نیروهای انسانی که بتواند در آمریکا و نقاط دیگر جهان بیابد را نیاز خواهد داشت، زمانیکه به شکوفائی کامل خود دوباره بازگردد، در پی خیزش کاربران applications جدید.

در واقع کامپیوتر های قبل از کامپیوتر های خانگی PC با رکود در سالهای 1960 و 1970 مواجه شدند، به این دلیل که افق های کاربردها گشوده نشد، تا آنکه کامپیوتر های خانگی PC آن مانع را شکستند و قتیکه عرصه هائی نظیر تایپ کردن word processing، حسابداری شخصی spread sheets، و طراحی و ارائه presentations کامپیوتری شده و در زمان کوتاهی متداول شدند، با تکمیل شبکه ها در موسسات LAN که به سرعت به تمام جهان گسترش یافته و هر استفاده کننده در خانه و دفتر را به دیگران در جهان متصل کرده است.

سری بعدی کاربرها applications با شبکه های جدید دنبال شده و تجربه زندگی واقعی را برای هر مصرف کننده کامپیوتر در جهان فراهم میکنند، در نتیجه ایده الهامی اولین پیش قر اولان تجارت اینترنتی به واقعیت مپیوندند، با اهمیتی معادل اولین توسعه سرمایه تجاری در تاریخ بشر، با تغییر شکل کامل شکلی که محصولات در جهان تولید و مبادله میشوند، و ثروت واقعی در حقوق **مالکیت دانشی** بروی تکنولوژی های جدید خواهد بود. حتی امتیاز مالکیت بروی یک نام یک سایت اینترنتی میتواند بیش از داشتن امتیاز بر مالکیت یک محل دو نبش در بازار بشود.

بحران اقتصادی تکنولوژی های نوین که در سال 2001 آغاز شد همزمان با انتخاب جرج بوش به ریاست جمهوری در آمریکا بود. کابینه بوش بروی صنایع ماقبل تکنولوژی های نوین، نظیر نفت و خطوط هوایی تأکید داشت. از هم پاشی دات کام ها پیش از دوره بوش شروع شده بود، امل سقوط صنایع ارتباطات telecom با ریاست جمهوری بوش شروع شد. معهدا، برنامه های **اقتصادی** بوش، به صنایع نفت و خطوط هوایی کمک کرد، اما وی هیچگاه به تکنولوژی های نوین، دات کام ها، و تله کام یاری نرساند.

شکست اقتصاد اطلاعاتی در غرب، بویژه در آمریکا، به موقعیت رژیم هائی نظیر جمهوری اسلامی ایران کمک کرد. تمام این سالها، چالش مقابل شوروی، جمهوری اسلامی ایران، و رژیم های واپس گرای دیگر، موفقیت توسعه فراصنعتی در غرب بود، و نه قدرت نظامی آمریکا. در واقع، امپراطوری شوروی بدون هیچگونه عملیات نظامی آمریکا یا ناتو، از هم پاشید.

به عوض بوش سعی کرد تا بر چالش بعثی ها و اسلامگرایان در خاورمیانه، از طریق قدرت نظامی فائق شود، و نه از طریق نشان دادن پیروزی اقتصاد فراصنعتی در آمریکا، که میتواند جلب کننده اصلی مردم خاورمیانه باشد، تا از تبلیغات اسلامگرایان برای بهشت اسلامی دور شوند. متأسفانه آنچه دفاع از خود به حق در برابر حمله اسلامگرایان در **11 سپتامبر** بود، به مرکز توجه کابینه بوش تبدیل شد، و هزینه اش هم یک اقتصاد کاملاً شکست خورده.

در عرض دو سال، مراکز اصلی تکنولوژی نوین نظیر **سیلیکان ولی** در کالیفرنیا طی این پروسه مردند، و تصویر بزرگتر آنکه آمریکا جذابیت خود را در خاورمیانه و نقاط دیگر، از دست داد، آتهائی که به سیلیکان ولی و مراکز دیگر تکنولوژی در آمریکا، بمثابة ایده ال توسعه اقتصادی خود مینگریستند، در فراسوی رژیم هائی نظیر جمهوری اسلامی.

مهاجرین تازه ایرانی بسوی کشورهای نظیر استرالیا رفتند، و قتیکه اخبار خوشاوندانشان را که یا در سیلیکان ولی در آمریکا برای زنده ماندن در این نانفسای اقتصادی میشنیدند، یا از خوشاوندانی که به ایران بازگشته بودند، با ترجیه قبول زندگی تحت شرایط نامطبوع جمهوری اسلامی، و قتیکه میتوانند زندگی خود و خانواده شان را تأمین کنند، تا که در صف بیکاران در سیلیکان ولی و مراکز دیگر تکنولوژی نو در غرب، بایستند.

مراکز تکنولوژی نو در آمریکا تحت برنامه های اقتصادی بوش به سقوط رفتند، و اقتصاد شکست خورده غرب به رژیم ملایان کمک کرد، و به این معنی بود زیان برای نیروهای سکولار فراصنعتی در خاورمیانه بود، که برنامه شان با اقتصادهای شکست خورده تکنولوژی نو در غرب و تجاوز آمریکا به عراق هم هویت شده بودند، صرفنظر از آنکه در **صف بندی های جهانی** چه موضعی اتخاذ کرده بودند.

در واقع، توسعه فراصنعتی در غرب، از سوی نیروهای ناسیونالیست افراطی، که به توسعه فراصنعتی علاقه ای نداشتند، صدمه دید، همانگونه که نیروهای ماقبل صنعتی در خاورمیانه، پیشرفت کشورهای نظیر ایران را سد کرده اند. بنابراین به عبارتی، آمریکا هم نظیر ایران، با مانع سیاسی برای توسعه فراصنعتی روبروست، هرچند نیروی سیاسی ای دیگر.

اگر در نوامبر، آمریکا آنتوراک توسعه فراصنعتی جرج بوش را پشت سر گذارد، و باری دیگر اقتصاد اطلاعاتی در غرب وارد مسابقه شود، بازنده اصلی رژیم های واپس گرا در خاورمیانه نظیر جمهوری اسلامی ایران خواهند بود، اما سیستمهای

واپس گرای آنها، که نه تنها مانه توسعه فر ا صنعتی در خاورمیانه هستند، بلکه سیستمهای واپس گرایشان بمثابة دولت ایده ال ، از سوی حامیان تروریست شان، ترویج میشود، که امکان توسعه فر ا صنعتی مسالمت آمیز را در جهان به خطر میاندازند.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

1 تیر 1383

June 21, 2004

متن بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/341-CrisisEng.htm>

این نوشته مقدمه ویرایش جدید کتاب ایران آینده نگر است

<http://www.ghandchi.com/500-FuturistIran.htm>

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>